



پانزدهم خرداد، نقطه عطفی است در تاریخ معاصر؛ یادگاری است از پیوند معنوی توده های عظیم مردم کشور ما؛ واکنشی است از احساس عمیق مذهبی ملت ایران؛ نمایی است از به پاخاستن مردمی که می خواستند ظلم و ستم را از بن برکنند؛ تجسمی است از تاریخ اسلام و درجه ای است برای سنجش فداکاری و از خود گذشتگی انسان هایی که به دنبال آرمان الهی حرکت می کنند.

پانزدهم خرداد، روز قیام خونین مردم جان برکفی است که به نام اسلام و برای اسلام به میدان آمدند تا سلطه طاغوتیان را از کشورشان برچینند.

()

در سحرگاه پانزدهم خرداد سال 1342، دژخیمان رژیم ستم شاهی به خانه امام خمینی رحمة الله یورش بردند. آنها امام را که سه روز پیش از آن، به مناسبت عاشورای حسینی در مدرسه فیضیه، در سخنان کوبنده ای، از جنایات شاه و اربابان آمریکایی و اسرائیلی او پرده برداشته بود، دستگیر و دور از چشم مردم، به زندانی در تهران منتقل کردند. هنوز چند ساعتی از این حادثه نگذشته بود که خیابان های شهر قم، زیرپای مردان و زنان انقلابی که در اعتراض به رژیم شاه و حمایت از رهبرشان فریاد برآورده بودند به لرزه درآمد. این صحنه، در آن روز در تهران و چند شهر دیگر نیز به وجود آمد و بدین ترتیب، مردم ایران با این قیام گسترده، نشان دادند که خواستار برقراری حکومت اسلامی و پایان دادن به رژیم ستم شاهی هستند. (1)

پس از انتشار خبر دستگیری امام (ره) در پانزدهم خرداد 1342، بسیاری از مردم قم، به منزل ایشان رفتند و به اتفاق فرزندشان، حاج آقا مصطفی، در حدود ساعت شش بامداد، به سمت حرم مطهر حضرت معصومه (س) حرکت کردند. پس از مدتی، صحن مطهر و خیابان های اطراف، لبریز از جمعیتی شد که شعار "یامرگ یا خمینی" را با هیجان شدیدی تکرار می کردند. در همان زمان، علما و مراجع وقت هم با صدور بیانیه هایی، خواستار آزادی فوری حضرت امام (ره) شدند. در حدود ساعت ده صبح، با ورود نیروهای مسلح برای تقویت نیروهای شهرانی قم، تیراندازی و رگبار مسلسل ها شروع شد و تعداد زیادی از مردم زخمی شده یا به شهادت رسیدند. شدت تیراندازی به حدی بود که امکان انتقال زخمی ها و اجساد شهیدان نبود و این کشتار، تا ساعت پنج عصر ادامه یافت. (2)

در پانزدهم خرداد 1342، مردم تهران هم چون سایر شهرها، در اعتراض به دستگیری امام خمینی (ره) به خیابان ها ریختند و قیام خونین خویش را آغاز کردند. سیل خروشان کشاورزان غیور و کفن پوش ورامین، دهقانان کن و نیز مردم جماران به سوی تهران سرازیر شد. انبوه جمعیت بازاری، بار فروش، دانشگاهی و اقشار مختلف مردم، با فریادهای رعد آسای "یا مرگ یا خمینی" و "مرگ بر شاه" تهران را به لرزه درآورد. شاه که در برابر قیام قهر آلود ملت، تاج و تخت خود را درحال زوال می دید، با رگبار مسلسل به جنگ ملت مظلوم رفت و تهران را در پانزدهم خرداد 1342، به کشتارگاه مخوف و حمام خون تبدیل ساخت. (3)

در روز پانزدهم خرداد 1342، در بیشتر شهرها، درگیری، راه پیمایی، برگزاری جلسات و نیز سخنرانی بر ضد رژیم و اعتراض به دستگیری امام صورت گرفت. در بعضی از شهرها مانند شیراز، تبریز و مشهد، اعتراض از شدت و گستردگی بیشتری برخوردار بود که در اثر این حوادث، تعداد زیادی کشته، مجروح یا زندانی شدند. (4)

قیام پانزدهم خرداد، جوششی از طرف مردم بود برای درهم کوبیدن رژیم سلطنت و گرچه به سرعت نتیجه قطعی نداد، آثار بسیار باقی گذاشت. از این رو، عوامل رژیم حاکم، به روش های گوناگون کوشیدند با استفاده از همه امکانات و از جمله رسانه های گروهی، جنبه اسلامی و مردمی را از آن بگیرند و جهت خارجی به آن داده، افکار عمومی را فریب دهند. بنابراین رژیم مدعی شد که عده ای از مردم، برای به دست آوردن پول، به تهاجم بر ضد دولت دست زده اند و گفتند که این پول ها را شخصی به نام "جمال عبدالناصر" فرستاده تا در ایران، توطئه هایی صورت گیرد. (5) البته با همه این تلاش ها و ادعاهای پوچ و بی اساس، شعله قیام پانزدهم خرداد 1342، روز به روز روشن تر می گردید.

پس از قیام پانزدهم خرداد 1342، مطبوعات خارجی به صورت های مختلف و با تیتروهای درشت، از این روز نام بردند. برای مثال روزنامه "دی ولت" در شماره 129 خود نوشت: "در تهران، صدها نفر کشته شده اند. دولت علم، حکومت نظامی اعلام کرد. ارتش با تانک و مسلسل، بر ضد طرفداران رهبر مسلمانان، [امام] خمینی که علیه اصلاحات شاه دست به اعتراض زده اند، وارد عمل شد". یا روزنامه "الاهرام" در 16 خرداد نوشت: "دیروز تهران در آتش خشم شعله ور شد... این، شدیدترین تظاهرات ضد شاه بود و هنگامی آغاز شد که رهبر دینی، روح الله خمینی و یاوران او دستگیر گردیدند". (6)

پس از واقعه پانزدهم خرداد 1342، با وجود سانسورهای شدید دستگاه شاه، خبرهای دستگیری امام خمینی (ره) و قیام 15 خرداد، در مدت کوتاهی، تنها در سراسر کشور، که به فراتر از مرزها گسترش یافت و موجی از نفرت و خشم بر ضد شاه به راه افتاد. حوزه های علمیه نجف، کربلا و کاظمین، به حمایت از امام خمینی (ره)، تلگراف هایی به سران کشورهای اسلامی و سازمان های بین المللی مخابره و کشتار پانزدهم خرداد رژیم را به شدت محکوم کردند. تمام این جریان ها در حالی صورت می پذیرفت که در مطبوعات کشور هیچ خبری از حقایق و وقایع منعکس نمی شد. (7)

پس از واقعه خونین پانزدهم خرداد 1342 و کشتار مردم ایران، شخصیت های سیاسی و علمی نقاط مختلف جهان، با صدور اطلاعیه هایی، مراتب اعتراض خویش را اعلام می داشتند. از آن جمله می توان به اعلامیه اعتراض آمیز شیخ محمود شلتوت، مفتی و رئیس دانشگاه الازهر مصر اشاره کرد که شش روز پس از قیام پانزدهم خرداد صادر شد. در این بیانیه، دستگیری علما و اهانت به ساحت مقدس آنان، داغ ننگی بر پیشانی عالم انسانی معرفی گردیده است. وی طی تلگرافی، خطاب به شاه خواست از تجاوز به حریم روحانیت و علمای اسلام خودداری کند و هر چه زودتر، علمای بازداشت شده را آزاد سازد. (8)

جنبش پانزدهم خرداد، اگرچه واکنش طبیعی مردم مسلمان در برابر مصوبات خلاف اسلام رژیم و بازداشت امام خمینی (ره) بود، آزادی فوری ایشان را در بر نداشت. از این رو، اعتراض ها از همه نقاط ادامه داشت و سرانجام علمای طراز اول کشور، برای چاره جویی، در تهران اجتماع کردند. رژیم حاکم که از یک پانزدهم خرداد دیگر بیمناک بود، کوشید آنها را پراکنده

سازد و قدمی در راه خواست آنها برندارد. از طرفی مراجع تقلید، اعلامیه ای صادر کردند مبنی بر این که امام خمینی (ره) مجتهد جامع الشرایط و مرجع تقلید است و براساس قانون، از محاکمه و تعرض مصون است. سپس با انتشار این مطلب، رژیم خود به خود مجبور شد برای فرو نشاندن ناراضیاتی های عمومی، امام خمینی را در هجدهم فروردین 1343 آزاد کند. (9)

حادثه سترگ پانزدهم خرداد 1342، در اوج اصلاحات دروغین شاه خائن اتفاق افتاد؛ چرا که در آن زمان، اختناق فراگیر برابریان سایه افکنده بود. در این جو، ناگهان ندای ملکوتی امام از شهر مقدس قم بلند شد و با افشای نقشه خائنه شاه، مردم را از آن چه در پشت پرده ها می گذشت، آگاه کرد. امام در ضمن بیدار کردن مردم، آنان را برای قیامی صددرصد اسلامی دعوت کرد و چارچوب قیام را به آنان نشان داد. از این رو در روز پانزده خرداد گروهی از متعهدان و مخلصان که خبر دستگیری امام را شنیدند، قیام خویش را آغاز نمودند و با شعارهای "لا اله الا الله" و "یا مرگ یا خمینی" دیگران را از خواب غفلت بیدار و بنیان های انقلابی استوار را پایه ریزی کردند. (10)

در قیام پانزدهم خرداد 1342، شعارهایی که از حجره های دردمند ملت ایران بلند می شد، صرفاً اسلامی و مذهبی بود و به طور کلی حرکت پانزدهم خرداد، به دلیل توهین به اسلام و رهبری اسلام که از هر طرف مورد هجوم قرار گرفته بود، برپا شد. اگر این نهضت خداجویانه مردم در آن روز با آن وسعت به وجود نمی آمد، رژیم ستم شاهی جرأت بیشتری از خود نشان می داد و اساس اسلام را در کشورمان از بین می برد و اهداف اربابان آمریکایی خود را محقق می گرداند. (11)

قیام پانزدهم خرداد 1342، قیامی کاملاً مردمی بود و تکیه گاهی جز مردم رنج دیده و مظلوم ایران نداشت. اصالت این قیام، در خروش عاشقانی بود که عارفانه در راه رضای معبود خویش، به ندای رهبر دل سوزشان پاسخ مثبت دادند و برای حمایت از آرمان های او، آماده شهادت و جان فشانی شدند. اینان، نه چهره های سیاسی محض بودند و نه مردمی که برای هواهای نفسانی و مادی قیام کرده باشند، بلکه همین مردم پاک دل کوچه و بازار بودند که یک صدا و یک نوا بر ضد ظلم و خیانت رژیم ستم شاهی پهلوی به پا خاستند. به همین دلیل، رژیم شاه سخت به وحشت افتاد و چاره ای جز گلوله باران مردم ندید.

قیام پانزده خرداد، به افسانه جدایی دین از سیاست که بیش از نیم قرن، از سوی استعمارگران رژیم های دست نشانده آنان تبلیغ و ترویج شده بود، پایان داد و جداناپذیری اسلام از سیاست را، برای همگان آشکار کرد و اسلام ناب محمدی را از اسلام آمریکایی باز شناسانید. از آن پس، اسلام راستین که تا دیروز جایی در مجامع علمی و روشن فکری نداشت، در میان نسل تحصیل کرده و به ویژه دانشگاهیان راه یافت و گام به گام گسترش پیدا کرد و فعالیت های سیاسی بر پایه اسلام، به عنوان بزرگ ترین جریان سیاسی در ایران اوج گرفت و پیشرفت کرد و زمینه ساز انقلاب اسلامی شد.

در زمان سلطنت محمد رضا پهلوی، دستگاه حکومت به وسیله حامیان آمریکایی خود، با شیوه ها و تاکتیک های پیچیده و حساب شده ای، به مبارزه با اسلام می پرداخت و شاه با تظاهر به اسلام و شعائر مذهبی، می کوشید به شکل مرموزی، توطئه اسلام زدایی پدر خویش را پی بگیرد. از این رو، تا پیش از قیام غرور آفرین پانزدهم خرداد 1342، بسیاری از عناصر و چهره های اسلامی دید مثبتی به شاه داشتند و او را "اسلام پناه" می پنداشتند، ولی ددمنشی و سفاکی نسبت به مردم مظلوم و تجاوز به حریم روحانیت در جریان واقعه پانزده خرداد، ماسک فریب و ریا را از چهره او برداشت و ماهیت ضد دینی او را برای همگان آشکار ساخت.

()

امام خمینی (ره) آن پیر فرزانه انقلاب، درباره روز پانزده خرداد 1342 چنین فرمودند: "روز پانزده خرداد، در عین حال که چون عاشورا، روز عزای عمومی ملت مظلوم است، روز حماسه آفرین 15 خرداد، بزرگداشت ارزش های انسانی در طول تاریخ است" ایشان در سخنانی دیگر فرمودند: "قیام پانزده خرداد، اسطوره قدرت ستم شاهی را در هم شکست و افسون ها را باطل کرد. شهادت جوانان رشید و زنان و مردان در آن روز، سدّ عظیم قدرت شیطانی را از بنیان سست کرد. خون سلحشوران کاخ نشین، کاخ های ستم را درهم کوبید. ملت عظیم الشان با قیام و نثار خون فرزندان عزیز راه قیام را برای نسل های آینده گشود و ناشدنی ها را شدنی کرد".

قیام پانزده خرداد سال 1342، جرگه ای آتش بار بر خرمن باروت جامعه خفقان گرفته و شب زده ایران افکند و زمینه جنب و جوش و شور و خروش ایثار گرانه و فداکارانه را فراهم کرد. ملت ایران با الهام از راه و روند حماسه آفرینان پانزدهم خرداد، به عنوان اسوه های ایثار و شهادت، درس جانبازی، فداکاری و پایداری آموختند، روزهای شور و حماسه فراوانی پدید آوردند و نهضت اسلامی امام بر ضد طاغوت را تداوم بخشیدند. مبارزه پی گیر و مقاومت خستگی ناپذیر ملت ایران، از سال 42 تا 57 که به انقلابی اسلامی کشیده شد ریشه در قیام خونین پانزده خرداد داشت و برگرفته از جانبازی های زنان و مردان قهرمان آن روز تاریخی بود.

1357 12 () . 14 () . 4
. 26 57 22 57 16 14 1357 12
. 8 () 22/20 1368
: 87 () : « () () :
2 4 2 () 2 5 2 : 22